



مصطفی محقق داماد: قرآن، عداوت را ناشی از شیطان می داند/ ایمان و کفر امر قلبی است

محقق داماد در افتتاحیه نهمین دور گفتگوی دینی با بیان اینکه از نظر قرآن، ایمان و کفر دو امر قلبی است و به حقوق شهروندی سرایت نمی یابد، گفت: قرآن مجید ایجاد عداوت را ناشی از شیطان می داند.

محقق داماد در افتتاحیه نهمین دور گفتگوی دینی با بیان اینکه از نظر قرآن، ایمان و کفر دو امر قلبی است و به حقوق شهروندی سرایت نمی یابد، گفت: قرآن مجید ایجاد عداوت را ناشی از شیطان می داند.

به گزارش خبرنگار مهر، سید مصطفی محقق داماد امروز صبح در افتتاحیه نهمین دور گفتگوی دینی مرکز گفتگوی ادیان و تمدن های سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی با شورای جهانی کلیساها سخنان خود را در قالب مقاله ای ارائه کرد.

وی در ابتدا گفت: در درون تعلیمات ادیان به طور کلی از جمله اسلام و مسیحیت، نهادهایی وجود دارند که متأسفانه با برداشت های انحرافی و غیرواقعی موجب خشونت شده است، در حالی که همه آن نهادها در جای خود معنایی دیگری دارند و چنانچه عالمان دینی در تبیین و ارائه چهره صحیح آن تلاش کنند، می توانند قدمی در بر انداختن خشونت های دینی باشد. خشونت هایی که امروز در میان پیروان ادیان صورت می گیرد، هر چند دست های سیاسی در پشت آنها قرار دارد ولی بدون تردید آنان برای تحقق مقاصد خود از سوءبرداشت های خود از نهادهای دینی بهره می گیرند.

۱- نهاد کفر و ایمان

وی گفت: پیروان هر یک از ادیان خود را مومن و دیگران را کافر می دانند و به دنبال این دو عنوان نهاد است که موضوع تکفیر یعنی کافر شناختن یک فرد و یا یک گروه مطرح می گردد. نهاد کفر و ایمان است که جامعه بشری را از نظر یک شخص دینی به خودی و غیرخودی تقسیم می کند و به جای دوستی تخم عداوت می کارد. عداوتی که مقدمه جمع آوری اسلحه، «ارهاب» و بالاخره جنگ و خونریزی خواهد بود، در حالی که نه معنای کفر و ایمان چنان است که برداشت شده و نه معارف دینی چنان اجازه ای را به پیروان خویش می دهد که به استناد کافر دانستن دیگری دست به خشونت بزنند.

محقق داماد در ادامه گفت: قرآن مجید ایجاد عداوت را ناشی از شیطان می داند. (مائده/۹۱) از نظر قرآن، ایمان و کفر دو امر قلبی است و به حقوق شهروندی سرایت نمی یابد. شاهد مدعای اینجانب آیه شریفه ۱۴ سوره حجرات است: «قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ وَإِنْ تُطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَا يَلِتْكُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْئاً إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ»

وی افزود: به موجب صدر آیه فوق افرادی به یقین مومن نیستند، یعنی ایمان در قلبشان وارد نگردیده است. همین افراد به موجب ذیل آیه چنانچه بر مقررات اسلامی و نظم اجتماعی گردن نهند، اطاعت از خدا و رسول در پای بندی به مقررات همه اعمالشان محترم است و از همه حقوق شهروندی برخوردار می شوند. تاریخ تمدن اسلامی نیز شاهد این برداشت است. از همان روزهای آغازین تشکیل جامعه اسلامی عده زیادی به آن پیوستند، هرچند که همه می دانستند آنان مومن نشده اند و به اصطلاح «منافق» هستند ولی همه به عضویت جامعه اسلامی پذیرفته شدند و همه در کنار سایرین از همه حقوق سیاسی، اجتماعی برخوردار بوده اند، برخی در کنار دیگران در قدرت داخل شده و حتی به سرعت در رأس قدرت سیاسی قرار گرفته اند.

وی با بیان اینکه در زمان معاصر تقسیم انسانها به مومن و کافر، دورانش گذشته است و باید به جای تقسیم به مومن و کافر، جهان بشریت را در دوران کنونی به «محارب» و «صلح جو» تقسیم کرد. منظور من از محارب کسی است که سلاح به دست می گیرد و آرامش زندگی خاکی را به هم می زند و صلح جو کسی است که برای همزیستی مسالمت آمیز آمادگی دارد. بالاتر آنکه حتی مراد از کفاری که در قرآن قتال با آن واجب شده، کفار زمان رسول الله بوده که با پیروان او در حال جنگ بوده اند و شامل غیر مسلمانان زمان حاضر نمی شود. مگر می توان غیر مسلمانان زمان حاضر را که پایبند به اصول حقوق بشر از جمله آزادی مذهبی هستند و برای کلیه ادیان از جمله اسلام احترام قائلند، کافر و واجب القتل دانست؟ زمان حاضر که ملت مسلمان عضو سازمان ملل متحد می باشند و عضویت آن سازمان به معنای تعهد به حفظ صلح و امنیت جهانی است، هرگز نمی توانند با دیگران سر جنگ داشته باشند.

مصطفی محقق داماد در ادامه گفت: چنانچه تقسیم جامعه انسانی را به کافر و مومن بپذیریم، با کمال تأسف نهاد جهاد؛ یعنی اقدام مسلحانه علیه کفار مطرح می شود. البته ما باید شکرگزار مشهور فقیهان شیعه باشیم که هرچند تقسیم مزبور را پذیرفته اند ولی جهاد ابتدایی را در زمان حاضر که زمان غیبت معصوم (ع) است ممنوع و تعطیل دانسته اند.

وی افزود: نهاد جهاد در طول تاریخ اسلام همیشه ابزار قدرت های سیاسی بوده و تحت پوشش توسعه اسلام قدرت خود را تثبیت و توسعه داده اند. چهره خشنی که در آثار غربی از اسلام وجود دارد اکثراً ناشی از عملکرد خشن دوران امپراطوری عثمانی است. چهره ای که با آیات قرآن هرگز منطبق نمی باشد و کاملاً خلاف سیره پیامبر (ص) و دیپلماسی ایشان است.

وی با بیان اینکه قرآن مجید اخلاق شخصی رسول الله (ص) را خلق عظیم؛ خوانده و او را مظهر رحمانیت حق دانسته و مقتضای رحمانیت حق متعالی نرمخویی است، گفت: شاید این ویژگی های شخصی، ذاتی آن بزرگوار و به نحوه تربیتی و خانوادگی وی بازگشت می کرده است. ولی در آیه شریفه ۱۵۹ سوره آل عمران چند دستور از ناحیه خداوند صادر شده که می توان گفت اصول دیپلماسی نبوی را تشکیل می دهد و این دیپلماسی نه ذاتی بلکه به امر و توصیه الهی پیش روی پیامبر (ص) نهاده شده است. می فرماید: *لَا تَجِدُ أُمَّةً مُّسْلِمَةً إِلَّا أَوَّاهًا وَابْتِغَاءً لِّلْوَثِقَةِ*؛ یعنی هرگز ملت مسلمانی را در زمان حاضر که زمان غیبت معصوم (ع) است ممنوع و تعطیل دانسته اند. و تعطیل دانسته اند.

وی در ادامه اظهار داشت: رحمت بودن و نرمخویی رسول الله (ص) که تجلی رحمت الهی است حسب بیان قرآن مجید مقتضای اخلاقی ذاتی ایشان است ولی خداوند چند دستور خطاب به ایشان مترتب بر این رحمت حق صادر فرموده که امری است کاملاً تشریعی و در واقع آموزش سیاست پیامبرانه است:

وی دستورات خداوند خطاب به پیامبر را چنین بر شمرد:

۱- فاعف عنهم؛ از گناه های آنان در گذر. یعنی عفو و گذشت؛ از اصلی ترین اصول محوری پیامبرانه است.

۲- واستغفر لهم؛ برای آنان آمرزش بخواه؛ یعنی نگران تربیت روحی آنان نیز باش و از خداوند توفیق اصلاح اخلاقی آنان را خواستار باش.

۳- و شاورهم فی الامر؛ در امور اجتماعی با آنان مشورت کن؛ یعنی حتی گنه کاران و خطاکارانی را که مورد عفو قرار گرفتند، از حق شهروندی مشارکت در امور زندگی اجتماعی نیز برخوردار ساز. با آنان مشورت کن و نظرات آنان را محترم بشمار.

۴- فإذا عزم فتوکل علی الله؛ سپس وقتی تصمیم گرفتی توکل بر خداوند کن؛ یعنی براساس مشورت با مردم در امور زندگی اجتماعی، اتخاذ تصمیم کن و تمشیت نما. به دیگر سخن آراء مردم هرچه باشد محترم است و عزم رسول الله (ص) براساس آن شکل می گیرد. عزم و اتخاذ تصمیم مبتنی بر مشورت با عموم جز عمل به رأی اکثریت معنی ندارد و لذا فرموده است که بر آن اساس عمل کن و مابقی را به خدا واگذار. رأی اکثریت ممکن است مصیب به واقع باشد و می تواند نباشد ولی به هر حال محترم است باید مورد توجه قرار گیرد و بقیه اش به خداوند واگذار شود.

محقق داماد افزود: خلاصه آنکه مطالعه در سیره نبوی که به یقین منطبق با قرآن است، نشان می دهد که حتی جهاد با کفار زمان رسول الله (ص) هم ابتدایی نبوده و همواره دفاعی بوده است. این ادعا علاوه بر استنباط از آیات قرآنی، مستند به مدارک تاریخی نیز می باشد.

۳- امر به معروف و نهی از منکر

وی ادامه داد: نهاد دیگری در تعلیمات اسلامی وجود دارد تحت عنوان امر به معروف و نهی از منکر؛ این

دو نهاد مهمترین نهادهای موثر در تربیت جامعه انسانی است و معنای واقعی این عنوان در کتب بزرگان دین اعم از فقه و کلام به تفصیل بیان شده و به اجمال این است که مومنین بایستی همواره خواهان خوبی ها و متنفر از زشتی ها باشند و دیگران را به خوبی ها و اجتناب از بدی ها توصیه نمایند و در عمل برای تحقق آن تلاش کنند. معروف هم چیزی است که عملی میان انسانها به نیکی شناخته شده باشد. خواهان بودن به هیچ وجه به معنای دخالت و سرکشی به زندگی این و آن نیست. متأسفانه بعضی بدون آگاهی دقیق از معانی این نهادها با برداشت غلط و خطا به حریم دیگران تجاوز کنند و آن را عامل افراطی گری قرار می دهند که به یقین خلاف شرع است.

محقق داماد افزود: رشد فکری بشر امروز به جایی رسیده که دیگری را در کنار خویش درک کند و برای او این اختیار را قائل شود که هرگونه اعتقاد و اندیشه برای خویش بگزیند حتی اگر به نظر او دیگری بر خطا باشد. یعنی همه برای یکدیگر حق بر خطا قائل می باشند. جالب آن است که در تعلیمات قرآن مجید حتی به خود پیامبر اسلام خداوند به جز تذکر دادن اجازه دیگری نداده (فذكر انما انت مذكر، لست عليهم بمسيطر- غاشیه /٨) و بلکه به صراحت اکراه و وادار نمودن به دین را منع نموده است.

وی در پایان گفت: جالب آن است که تمام خشونتگران دینی در سایه یک چهل که من آن را «چهل مقدس» نامیده ام انجام می گیرد. مقصودم از این تعبیر آن است که مرتکبین این گونه خشونت ها به انگیزه رضای خدا و رسیدن به بهشت او، روا می دارند!! ولی اینجانب به عنوان یک معلم مذهبی و متخصص معارف اسلامی اعلام می دارم که خدایی که من براساس تعالیم اسلامی می شناسم هرگز کسانی را که زندگی دنیای دیگران را جهنم می سازند هرگز در آخرت به بهشت خویش راه نخواهند داد و بوی بهشت به مشامشان نخواهد رسید.